

## تاملی بر زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی فتح اسلامی اصفهان

ابوالفضل رضوی\* / محمد حسین فروغی\*\*

دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۰۵/۰۱

### چکیده:

شهر اصفهان در مرکز فلات ایران، اقلیم مناسب و شرایط اقتصادی و راهبردی قابل اعتنایی دارد. این شرایط ضمن تاثیرگذاری بر ساختار حیات جمعی ساکنان شهر در سیر تحول تاریخی آن نیز موثر بوده است. اصفهان اواخر دوران ساسانی از مراکز مهم تجاری، کشاورزی و نظامی ایران بود و این اهمیت تا حدی است که یزدگرد سوم به هنگام گریز در برابر اعراب، به اصفهان وارد شد اما شرایط موجود را به نفع خویش ندید. اعراب نیز پس از گشودن مرزهای بیرونی ایران؛ فتح اصفهان را نخستین هدف خویش در درون فلات مرکزی برگزیدند و این شهر پراهمیت را به صلح تصرف نمودند. درحالی که مسلمانان در فتوحات خود در ایران با مقاومت مردم شهری مواجه بودند و در مواضع چندی به تصرف مجدد شهرها مجبور می شدند؛ فتح اصفهان آسان ترانجام گرفت و واکنش‌های مردمی بعدی در پی نداشت. در همین جهت، مساله نوشتار حاضر تبیین موقعیت ممتاز اصفهان و اهمیت آن در فاصله زمانی اواخر حکومت ساسانیان و اوایل دوران اسلامی و نیز تشریح زمینه‌های فتح آن در قیاس با فتح سایر شهرهای بزرگ ایران توسط اعراب است. یافته‌های تحقیق که با بررسی منابع تاریخی و تاریخ نگاری و به شیوه کتابخانه ای به دست آمده و تفسیر شده است نشان می دهد فتح اصفهان به عنوان شهری برخوردار، خوش موقعیت و مرکز توجه طبقات ممتاز ساسانی، تحت تاثیر عوامل مختلفی صورت گرفته که در این میان سلوک آگاهانه و مصلحت جویانه‌ی اقشار شهری در برخورد مسالمت آمیز با فاتحان سهم به سزایی داشته است.

**کلید واژه:** مسلمانان، اعراب، اصفهان، فتح اصفهان، زمینه های اقتصادی و اجتماعی

\* دانشیار دانشگاه خوارزمی. پست الکترونیک: razavi\_edu@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکترا. پست الکترونیک: vistygol@yahoo.com

## مقدمه

برخورد با فاتحان و همین طور سهم نارضایتی های سیاسی و اجتماعی و زمینه های حاصل از ضعف ساختاری حکومت ساسانی را در فتح مسالمت جویانه این شهر بررسی نماید. در همین جهت فرضیه پژوهش حاضر این است که اصفهان در داخل فلات ایران و حد فاصل میان کوه و کویر، در حاشیه زاینده رود اهمیت اقتصادی فراوانی داشته و در دوران ساسانی از شهرهای مهم ایران بوده است؛ در مقایسه با مردمان دامدار و کشاورزان دیم کار در سایر نواحی ایران، مردم کشاورز این ناحیه، برای حفظ زمین های خود میل کمتری به جنگ و گریز و ترک شرایط معیشتی خود داشتند. به همین سبب اعراب در عین این که برای تصرف و تثبیت اصفهان نسبت به شهرهای دیگر ایران با مشکلات کمتری مواجه شدند، برای فتح آن نیز اهمیت فراوانی قائل بودند. به علاوه شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر شهر نیز به گونه ای بود که نوعی نارضایتی از حاکمیت ساسانیان در خود داشت که به فتح آسان تر شهر کمک می نمود.

## پیشینه و ضرورت تحقیق

اهمیت و جایگاه موثر اصفهان در ادوار مختلف تاریخ ایران موجب شده است که پژوهشگران تاریخ محلی و منطقه ای توجه بیشتری به این شهر و وجوه تاریخی آن داشته باشند. شمار کتب و مقالاتی که درباره این شهر و حیات فکری - فرهنگی، تاریخ سیاسی - اقتصادی، وضعیت اجتماعی - اعتقادی و میراث هنری و معماری

اهمیت دشت اصفهان در جغرافیای سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران سبب شده است تا این شهر همیشه مورد توجه جهان گشایان قرار گیرد و هیچ گاه اهمیت خود را از دست ندهد. در حالی که بسیاری از شهرهای ایران با سقوط سلسله ای و یا با ویران شدن یا قتل عام توسط یک نفر، در دوران بعدی اقتدار گذشته را نیافته، این موضوع برای اصفهان متفاوت است زیرا مرکزیت ویژه در فلات ایران و اهمیت کشاورزی و اقلیم مناسب آن به احیای شهر کمک کرده است. معروف است که عمر در مورد مسیر فتوحات اعراب در ایران با هرمان راینزی نمود و هرمان گفت: اصفهان سر است و آذربایجان و فارس مانند دو بال، اگر سر را بزنسی دو بال هم سقوط می کنند (مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۶۷۹ و بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸). بیشتر پژوهشگرانی که در مورد موضوع «فتح اصفهان» تحقیق کرده اند با رویکرد سنتی و اثباتی، با تکیه بر منابع مکتوب به وقایع سیاسی و نظامی پرداخته اند. این در حالی است که بررسی وضعیت ساختاری اصفهان در اواخر عهد ساسانی و دقت در موقعیت ویژه این شهر از حیث طبیعی و اقتصادی و اجتماعی افق دیگری را به روی پژوهشگر باز می کند تا چگونگی و چرایی فتح مسالمت آمیز اصفهان را متفاوت ببیند. بر همین اساس، این نوشتار در پی آن است که ضمن نشان دادن جایگاه اقتصادی و اهمیت راهبردی اصفهان مقارن با فتوحات اسلامی و تاثیر این مهم در فتح مسالمت آمیز این شهر، رویکرد واقع گرایانه ای مردم اصفهان در

### جغرافیای طبیعی اصفهان

شهر اصفهان در مرکز فلات ایران در فاصله‌ی حدود ۳۲ درجه عرض شمالی و ۵۱ درجه طول شرقی؛ (ربانی، ۱۳۷۰: ۳) در حاشیه‌ی پرآب‌ترین رودخانه‌ی مرکزی فلات ایران با نام زاینده‌رود واقع شده است. ارتفاع متوسط شهر اصفهان از سطح دریا حدود ۱۵۰۰ متر، دمای متوسط شهر در یک دوره ۳۰ ساله ۱۶ درجه و متوسط بارندگی آن نیز ۱۱۳ میلی‌متر بوده است. بر همین اساس، اختلاف گرم‌ترین ماه سال با سردترین ماه سال کمتر از ۲۲ درجه برآورد شده است (آمارنامه، ۱۳۷۲: ۱۲-۸). شهر در حد فاصل کوه‌های زاگرس و کوه‌های مرکزی ایران واقع شده است. هر چند جریان زاینده‌رود در بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی و رطوبت آن موثر بوده است اما به دلیل قرار گرفتن دیواره‌ی کوهستانی زاگرس در غرب اصفهان، این شهر از رطوبت زیاد برخوردار نیست. وجود صحراهای کویری در شرق اصفهان، در خشکی این شهر و وزش بادهای سوزان در فصل تابستان کمک می‌کند. شهر اصفهان در دهانه‌ی ورودی زنده رود به دشت واقع شده است؛ بنابراین شهر از دشت و جلگه رسوبی تشکیل شده است. در طول تاریخ، اصفهان از نظر موقعیت طبیعی - بدون در نظر گرفتن ارتفاع از سطح دریا - همواره با شهرهای ری و همدان قابل مقایسه بوده است و از این جهت دل حقیقی ایران است (فرای، ۱۳۷۳: ۱۹).

در چنین شرایط آب و هوایی، زندگی و اهمیت اصفهان تابعی از زاینده‌رود است. این رودخانه که از دامنه‌ی شرقی زرد کوه در زاگرس

اصفهان صورت گرفته موید این موضوع است. آثار متاخر از قبیل: گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته لطف الله هنر فر، تاریخ اصفهان نوشته جلال الدین همایی و اعلام اصفهان تألیف مصلح الدین مهدوی غالباً به معاریف، آثار و اشخاص اصفهان پرداخته اند و متقدمین نظیر: مافروخی در محاسن اصفهان و حافظ ابونعیم در ذکر اخبار اصفهان نیز به وصف عمومی و اشخاص بسنده کرده اند. در این میان تحقیقات نو مانند: اصفهان در دوره سلجوقیان نوشته علی اکبر کجباف و مقالات متعدد موضوعی دیگر، با نگاه به اصفهان از زاویه موضوع، سلسله یا آثار، وجوه مهم تاریخی و تمدنی شهر اصفهان را بررسی نموده و بر غنای مطالعات اصفهان شناسی افزوده اند. با این حال، وجوه مختلف تاریخ اصفهان ظرفیت مطالعه‌ی بیشتری دارد و نظر به نوظهوری انجام پژوهش‌های روشمند در مطالعه تاریخ و از جمله تاریخ محلی، این ظرفیت تاریخی اصفهان و ضرورت مطالعه آن را دو چندان نشان می‌دهد. در این میان، بررسی جایگاه تاریخی اصفهان در طلیعه تاریخ دوران اسلامی کمتر مورد اهتمام پژوهشگران قرار گرفته و به سبب فقر داده‌های تاریخی و یا عدم اعتنای لازم در حد کلی‌گویی برگزار شده است. بنابر همین ضرورت، مقاله حاضر ضمن مروری بر جغرافیای طبیعی و تاریخی اصفهان و جایگاه راهبردی این شهر، تاثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی اصفهان را در فتح مسالمت آمیز آن از سوی مسلمانان بررسی می‌نماید.

سرچشمه می‌گیرد، در دشت اصفهان به سطح جلگه نزدیک شده و امکان استفاده از آب را برای کشاورزی فراهم می‌کند. جریان زنده رود در بالا بودن رطوبت هوا، سطح آب زیرزمینی و امکان حفر قنات و کشاورزی وسیع در جلگه‌ی اصفهان هم موثر بوده است. به همین دلیل آب و هوای اصفهان نیمه صحرائی و معتدل و فصول چهارگانه‌ی منظمی دارد. دمای شهر معتدل است و شرایط کشاورزی در این ناحیه به خوبی مهیاست. از این رو جلگه‌ی اصفهان از حاصلخیزترین جلگه‌های فلات مرکزی ایران شمرده می‌شود. عوامل ذکر شده در توجه گروه‌های انسانی و تراکم جمعیت منطقه و به دنبال آن توجه جهان‌گشایان به شهر موثر بوده است و در مجموع، زمینه‌ی ترمیم و احیای مجدد شهر بعد از سقوط‌های سیاسی را فراهم کرده است. کمالین که همین عوامل طبیعی و انسانی در رشد صنعت و هنر و رونق تجارت نیز موثر واقع شده و موقعیت اقتصادی شهر را مطلوب ساخته است.

### جغرافیای تاریخی اصفهان و جایگاه شهر در دوران ساسانی

نام اصفهان معرب «اسپهان» است. از این ناحیه در طول تاریخ به نام‌های مختلفی از جمله: «آنزان»، «گابیان»، «گای»، «جی»، «اسپاهان»، «صفاهان» و «اسپادانا» یاد شده است. از این شهر در دوران اسکندر با نام «اسپه» یاد کرده‌اند و موسی خورن در قرن پنجم از آن با عنوان اسپهان یاد کرده است (میناسیان، ۱۳۸۷: ۴۳). به نظر

می‌رسد نام سپاهان از «اسپوان» و برگرفته شده از دو واژه‌ی «اسپ» به معنی اسب و «اوان» به معنی شهرک باشد که در ترکیب «اسپوان» آمده و به معنی مرکز پادگان سواره خوانده شده است (میناسیان، ۱۳۸۷: ۳۰).

اصفهان در دوران ساسانی از دو محله‌ی «جی» و «یهودیه» و روستاهای متعدد در حواشی آن‌ها تشکیل شده بود. وجود پل‌های عظیم مارنان و شهرستان از دوره‌ی باستان، دلالت بر اهمیت این ناحیه دارد. «جی» در دوره‌ی ساسانی چهار دروازه داشت که یکی از آن‌ها به نام «یهودیان» بود (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۸۷). در نقشه‌ی ذیل، مکان‌های سیاسی، مذهبی و شهری بااهمیت در دشت اصفهان مشخص شده است. اضافه بر این، حاشیه‌ی زنده رود و جلگه‌ی اصفهان روستاهای آبادی را در خود جای داده بود.

از موقعیت این شهر در دوران هخامنشی و اشکانی آگاهی اندکی وجود دارد. با این حال از تأسیس آتشکده‌های دارک، اردستان و ماربین اصفهان توسط اردشیر درازدست گزارش شده است (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۳۱). با روی کار آمدن ساسانیان این شهر اعتبار ویژه‌ای یافت. اردشیر بابکان کشورگشایی خود را از اصفهان و با سرکوب شاذشاپور شهریار این شهر آغاز کرد (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۰۷). در کتیبه‌ی شاپور بر کعبه زردشت از شهر «جی» یاد شده است و در کتیبه‌ی «کرتیر» نام «سپاهان» موجود است. نام سپاهان در ردیف نام چهارده مرکز شهری که مرزبان داشته‌اند آمده است (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۵۹). در دوران انوشیروان اصفهان در جزء

ارزش اصفهان در طول تاریخ همواره تابعی از زاینده رود بوده است. وجود این رودخانه و جلگه‌ی حاصلخیز آن در سرزمین گرم و مناسب فرصت کشاورزی خوب و تولیدات مناسب برای زندگی جمعیت فراوان را فراهم نموده است. این شرایط طبیعی سودمند سبب شد تا ناحیه اصفهان در دوران کهن پر جمعیت باشد (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۸)؛ علاوه بر این اصفهان پلی برای اتصال سرزمین‌های شرق با کوهستان‌های غرب فلات ایران بوده است. بنا بر همین شرایط است که اصفهان در قلب ایران در ردیف شهرهایی است که هم ترکان شرقی و هم دشمنان غربی بر آن تاخته‌اند. شرایط طبیعی اصفهان در مرکز فلات ایران این شهر را به عنوان یکی از مراکز مهم حفظ و نگهداری از سپاهیان تبدیل کرده بود. دینوری از فرستادن سپاهیان اصفهانی برای جنگ با اعراب یاد کرده است (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۶۲). ارزش تجارتی و البته کم بودن خطر زلزله هم نقش مهمی در پویایی و پایایی این شهر داشته است (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۳۳).

در دوران اسلامی اعراب به درآمد این شهر توجه کرده و سعی داشتند تا با همان نیروی قبل شهر را حفظ کنند. به هنگام ورود اسلام آتشگاه ماربین و دارک فعال بوده و جی و یهودیه در اصفهان کنونی، مرکزیت روستاهای مجاور مانند: قهجاورستان، ارزنان، گار، دارک، ماربین و صدها روستای حاشیه‌ی زاینده‌رود را داشته‌اند. اهمیت این شهر در همان آغاز چنان بوده است که عبدالملک در زمان مختار و مصعب برای

پاذگس<sup>۱</sup> نیمروز و مرکز اشراف و سپاه بود. مافروخی اصفهان را «لشکرخدای» خوانده است (مافروخی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). وجود نام‌های باستانی برای شهرها و روستاهای این منطقه و آتشکده‌های معروف در مسیر اصفهان تا تالاب گاوخونی نشان‌دهنده‌ی اهمیت و سابقه‌ی تاریخی این ناحیه است. مورخین از وجود زیج شهریار در اصفهان و بنای باعظمتی به نام «سارویه» در این ناحیه گزارش داده‌اند که در اوایل قرن چهارم هجری فروریخته و کتاب‌های فراوانی در آن به خط باستانی ایران و خطوط یونانی کشف شده است. این کتب در آن زمان برای خواندن به بغداد منتقل شده‌اند (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۱۸۳). یهودیان ایران البته در چشم ساسانیان با مسیحیان یکسان نبودند، اما گزارشی از درگیری یهودیان اصفهان با پیروز ساسانی و فرمان قتل ایشان در دست است (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۵۴). وجود «یهودیه» در کنار «جی» و نیز انتساب سلمان فارسی - ناراضی زردشتی - به این شهر (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۶۶) نشان‌دهنده‌ی تنوع ادیان و فرقه‌های مختلف در این شهر است. اصفهان همچنین یکی از مهم‌ترین مراکز مزدکیان در دوران ساسانی بوده است (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۱۷۴). با این حال شهر و ناحیه‌ی اصفهان همواره از دو سوی؛ کوه و کویر (شرق و غرب) مورد هجوم بوده است. گزارشی در دست است که از غارت و ویرانی اصفهان در اواخر دوران ساسانی (۶۱۶م) توسط هپتالیان حکایت می‌کند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

۱- انوشیروان ایران را به چهار بخش (پاذگس) اپاختر، نیمروز، خوراسان و خوربران تقسیم کرد و برای هر کدام «پاذگسبان» قرار داد. هر بخش به استان (کوره) تقسیم می‌شد.

جلب بزرگان عراق به سوی خود، به آنان وعده‌ی حکومت اصفهان را دادند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۶۱). جایگاه اصفهان در دوران اسلامی تا جایی ادامه یافت که این شهر چند دوره پایتختی کشور ایران را در کارنامه‌ی تاریخی خود ثبت کرده است.

### ماجرای فتح اصفهان

فتح اصفهان در دل فلات مرکزی ایران برای اعراب مسلمان اهمیت فراوانی داشت. با شکست ایرانیان در قادسیه و تصرف تیسفون به دست اعراب، فاتحان عرب شیرازه‌ی حکومت ساسانی را از هم گسیخته بودند. یزدگرد سوم یکی از اشراف سلطنتی به نام هرمزان را به مشورت خودش به شوشتر فرستاد تا از رخنه‌ی دشمن به فلات ایران جلوگیری کند. هرمزان در شوشتر مستقر شد و با بهره‌گیری از نیروهای کمکی خوزستان و فارس، چنان پایداری از خود نشان داد که فتح شوشتر به سخت‌ترین فتوح عرب تبدیل شد (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۶۴). با شکست هرمزان و تصرف شوشتر، یزدگرد به نبرد نهاوند امید بسته بود و به درون فلات مرکزی پناه برد. فتح نهاوند در سال ۱۹ یا ۲۱ هجری از آن جهت برای اعراب «فتح الفتوح» بود که دفاع رسمی دولت ساسانی در برابر اعراب در آن پایان یافت. از این پس دفاع ایرانی به کوشش‌های جسته و گریخته‌ی ساکنان شهرهای ایرانی در برابر اعراب پراکنجه و هیجان‌زده‌ی از غنائم خلاصه می‌شد. قدر مسلم آن است که فتح اصفهان پس از تصرف شوشتر و نهاوند روی داده است. زیرا از سویی منابع تاریخی از رایزنی عمر با هرمزان (فرماندار تسلیم‌شده‌ی شوشتر)، پس از

فتح نهاوند و نظر او برای فتح اصفهان نوشته‌اند؛ (مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۶۷۹؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۶۶) و از سویی تکاپوی یزدگرد برای دفاع از سلسله‌ی ساسانی پس از شکست نهاوند هنوز ادامه داشت. شاید پیروزی‌های دهقان اصفهانی در یکی از جنگ‌های خود با اعراب سبب شد تا یزدگرد اصفهان را پس از شکست‌های قبلی به عنوان پناهگاه خود برگزیند. یزدگرد به اصفهان آمد ولی از همان آغاز با همان دهقان اصفهانی با نام «مطیار» اختلاف پیدا کرد. از آنجا که این دهقان آداب سلطنتی را رعایت نمی‌کرد یزدگرد از او ناامید شد و از اصفهان گریخت (طبری، ۱۳۷۵: ۲۱۴۷).

موضوع چگونگی فتح و نام فاتح یا فاتحان شهرها در تاریخ اسلام همواره با اختلاف نظر مورخان همراه بوده است. تشابه اسمی، اصرار بر ثبت افتخارات قبیلگی، موضوع رقابت بصریان و کوفیان در ثبت فتح شهرها به نام خودشان (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۱) و یا بی‌اهمیت بودن موضوع از دیدگاه راویان نخستین را می‌توان از علل اختلاف در روایات در این مورد دانست. در این جهت اصفهان هم از این قاعده مستثنا نبوده است. در مورد فاتح اصفهان دو روایت موجود است. بلاذری در فتوح البلدان از محمد بن سعد روایت می‌کند: عمر بن خطاب عبدالله ابن بدیل و رقاء خزاعی را در سال ۲۳ مأمور فتح اصفهان نمود و به قولی عمر به ابوموسی اشعری نامه نوشت و بفرمود تا عبدالله ابن بدیل را با سپاهی به اصفهان روانه کند و او چنان



را صلح بودند و صبح عهد شکنی کردند اشعری جنگید و پیروز شد. محمد ابن سعد گوید: این داستان را من به اهل قم مربوط می دانم» (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰).

### زمینه های فتح اصفهان

در کنار مشکلات بنیادین دولت ساسانی، جنگ های طولانی مدت خسرو پرویز با رومیان و حوادث طبیعی آن زمان در قالب طغیان دجله و فرات که زمینه ی شکستن چند سد شده بود (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۱۵) توان اقتصادی ساسانیان را کاسته بود. در عین حال سقوط پایتخت ایران به دامان اعراب به همان اندازه ای که توان اقتصادی ایرانیان را در دفاع از کشور خود از میان برد؛ به همان اندازه یا بیشتر از آن فاتحان عرب را برای گسترش فتوحات تواناتر نمود. فتح شهرهای مختلف در کشور ایران تابعی از این قاعده ی کلی است. از یک سوی، ناهماهنگی های ساختاری در ارکان قدرت و نارسایی کارکردهای دین رسمی که در قالب تشریفات خسته کننده کارایی خود را از دست داده بود (فرای، ۱۳۷۳: ۳۷۶) و نیز فقر عمومی زمینه ی رضایتمندی از دولت را به میزان زیادی کاهش داده بود. از سوی دیگر، اعراب برای رسیدن به امکانات بیشتر پس از فتوحات اولیه حریص تر شده بودند و دسته های متعددی از آنها گوش به زنگ فرمان فتوحات و کسب غنائم بودند. در این میان البته روند فتوحات اعراب در شهرهای داخلی فلات ایران متفاوت بود و علیرغم از میان رفتن توان دفاع عمومی، بسیاری

کرد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۹). این در حالی است که طبری به روایت از سیف ابن عمر تمیمی، فاتح اصفهان را عبدالله ابن عبدالله بن عتبان می داند که در سال ۲۱ هـ ق اصفهان را گشوده است. یکی از پژوهش های اخیر در این مورد دلایلی به دست می دهد که روایت طبری را فاقد وجاهت تاریخی دانسته و عبدالله بن بدیل و رقاء مذکور در روایت بلاذری را به عنوان فاتح حقیقی اصفهان معرفی می کند (منتظر القائم، ۱۳۷۷: ۳۴-۲۵).

عبدالله ابن بدیل از طرف عمر مأمور فتح اصفهان شد. همزمان با فتح یا اندکی پس از آن نیز ابوموسی اشعری به عنوان نیروی کمکی، خود را به اصفهان رسانید. اگر چه روایات مربوط به فتح اصفهان در نام فاتح و سال فتح اختلاف دارند اما در مورد جریان و نوع فتح تا حدود زیادی اتفاق نظر دارند و فتح شهر را با صلح ذکر کرده اند. در آستانه ی فتح اصفهان، فاذوسفان یا مرزبان اصفهان که از همراهی مردم شهر با خود ناامید بود گریخت و اعراب وی را تعقیب کرده و با او درگیر شدند. از این رو ظاهراً پیش از فتح شهر، درگیری مختصری میان مرزبان و فاتحان رخ می دهد و به دنبال آن مرزبان با اعراب در تسلیم شهر همکاری می کند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰؛ اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). اصفهان از معدود شهرهایی است که مردم آن علیه اعراب شورشی نکردند و فتح دومی در آن روی نداد. بلاذری می نویسد: «محمد ابن سعد روایت کرد که اشعری بر اسبها نزل کرد و بر ایشان اسلام عرضه داشت لکن ابا کردند. پس جزیه پیشنهاد کرد و آنان بر این قرار با وی صلح کردند و شب

از شهرها با جنگ گشوده شدند. درعین حال برخی از شهرها پس از فتح نخستین در برابر اعراب قیام کرده و ضرورت اعزام نیرو و فتح دوباره را فراهم نمودند. اصفهان از جمله شهرهایی است که به نظر می‌رسد از دست دادن آن برای ساسانیان ناگوار بود اما فتح آن با دشواری چندانی همراه نبود و عواقب پرزحمتی هم برای اعراب نداشت. مهم ترین علل این موضوع را می‌توان در قالب موارد زیر جستجو نمود.

#### الف- نارضایتی سیاسی و اجتماعی مردم شهری

فرار یزدگرد از نهاوند به اصفهان و امید به مقاومت در این شهر از جایگاه اشراف و قدرت مالی این شهر حکایت می‌کند. کریستن سن، اصفهان را جایگاه ولیعهد و شاهزادگان عصر ساسانی دانسته و می‌نویسد: این شهر در پایان دوران ساسانی مرکز واسپوهران ایران محسوب می‌شده است و واسپوهران آمارکار یا مستوفی خراج واسپوهران در این شهر مقام داشته است. یزدگرد پیش از ترک اصفهان هفتاد نفر از اشراف و واسپوهران را به استخر فرستاد و بعد از آن که اصفهان به دست اعراب تصرف شد، خود نیز به «استخر» پناهنده شد (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۳۰). هرتسفلد، واسپوهر را به معنای اخص، عنوان ولیعهد دانسته و یادآور می‌شود اصفهان را معمولاً به ولیعهد می‌دادند و «واسپوهرگان» نام رسمی ایالت اصفهان است (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۲۹). با از میان رفتن اقتدار انوشیروانی و بروز مشکلات در دوران خسرو پرویز و پس از آن دو مشکل

عمده ظهور کرد. نخست آن که مزدکیان فرصت بروز یافتند درحالی که در ایام اقتدار، خویشتن را مخفی کرده بودند. اصفهان در دوران ساسانی از مهم ترین مراکز جمعیت مزدکیان بوده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۰ و گراتتوسکی، ۱۳۵۹: ۱۷۴). حضور بازماندگان مزدکی در اصفهان نشان از حضور ناراضیان در پایگاه مهم اشراف و واسپوهران است که نگران موقعیت و اموال خود بودند (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۳۰). دوم این که کاهش اقتدار دولت ساسانی، فرصتی برای تسلط سرداران و واسپوهران در قالب ملوک الطوائف بر مناطق مختلف فراهم کرده بود (فرای، ۱۳۷۳: ۳۷۵). بی احترامی حاکم اصفهان به یزدگرد که موجب فرار قهر گونه وی از این شهر شد دلیل بر این مدعاست (طبری، ۱۳۷۵: ۲۱۴۷). با این اوصاف، نارضایتی موجود از یک سوی ریشه در ضعف ساختاری حکومت ساسانی و نوعی گسست در عملکرد اشرافیت ساسانی مستقر در اصفهان داشته که حفظ منافع خود را ارجح بر دفاع از ماندگاری حکومت می‌دانسته اند و از سوی دیگر به نارضایتی اجتماعی و اقتصادی رعایا از وضع موجود مربوط می‌شده است که در عملکرد منفعلانه ایشان در دفاع از حکومت ساسانی، تسلیم مسالمت آمیز شهر و عدم شورش علیه اعراب خود را نشان داده است. بی تردید ادعاهای مهاجمین در عمل به دستورات اسلامی مبنی بر رعایت عدل و مدارا نیز در این سلوک مسالمت جویانه مردم و بزرگان ناراضی اصفهان تاثیرگذار بوده است.



### ب- تلاش ساکنین برای حفظ پایگاه اقتصادی

جایگاه مناسب اصفهان در حاشیه زنده رود و موقعیت مناسب بازرگانی آن از دیرباز مورد توجه بوده است. حضور واسپوهران و آمارکاران در دوران ساسانی و توانایی مالی اصفهان در دوره های اسلامی نیز موید همین است. اهمیت اقتصادی اصفهان مرهون کشاورزی و بازرگانی پررونق شهر بوده است. وفور آب زنده رود و دما و رطوبت مناسب همراه با سطح نسبتاً بالای آب های زیرزمینی زمینه ی برتری کشاورزی اصفهان را در فلات مرکزی ایران فراهم کرده است. صاحب محاسن اصفهان، این ناحیه را به دو بخش: اصفهان (رو دشت علیا) و رو دشت سفلی با مساحت ۶ در ۱۴ فرسنگ معرفی کرده که بیش از ۸۰۰ ده و مزرعه آباد دارد و یک قطره آب مهممل در آن روان نیست (مافروخی، ۱۳۸۵: ۷۴). دمای مناسب هم به این شرایط کمک می کرد تا کشاورزی این منطقه را در فلات مرکزی ایران بی رقیب نگه دارد. وصف گسترده ی زمین های کشاورزی و تولیدات زراعی و باغی آن در گزارش های تاریخی، شاهد این مدعاست (مافروخی، ۱۳۸۵: ۷۵ و مستوفی، ۱۳۸۱: ۹۰ و ناصر خسرو، ۱۳۷۲: ۱۱۸). اقتصاد ساکنان مناطق شهری و روستاهای حاشیه ی آن در طول جلگه زنده رود وابسته به زمین های زراعی بود. این وابستگی مردم اصفهان به معیشت زراعی وضع ساکنان شهر را با سایر مناطق فلات مرکزی که معیشت غالب آنها از راه دامداری بود متفاوت می کرد. بی تردید تفاوت در مفاد صلح نامه ی اصفهان با فاتحان، در مقایسه با شهرهای هم تراز

خود نیز از همین وضعیت فلاحتی و تلاش عمومی برای حفظ ظرایف مذکور ناشی شده است. در همین جهت، در بخشی از صلح نامه فتح اصفهان چنین آمده است که: مرزبان اصفهان با اعراب در تسلیم شهر همکاری می کند، به شرط آن که عبدالله (فاتح) قول دهد تا هر کس بخواهد بماند و جزیه بدهد و بر سر مال خویش باشد و با دیگری که زمینشان را گرفته اند نیز چنین کنند، فاذوسپان گفت: هر که از شرایط ما سرباز زند هر جا که خواهد رود و زمینش از آن شما باشد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰ و اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). در کنار کشاورزی پر رونق آبادی های متعدد اطراف شهر و تولیدات مختلف زراعی منطقه، قرار گرفتن اصفهان در مسیر چهارراه بازرگانی شمال- جنوب و شرق به غرب نیز موقعیت ویژه ای به این شهر می داد و موجبات عنایت بازرگانان به آن را فراهم می نمود. گذار راه های کویر از خراسان و یزد و کرمان برای عبور کارگزاران حکومتی و بازرگانان به سمت عراق عرب و فارس و خوزستان و بوشهر از طریق اصفهان نیز به ارزش این منطقه افزوده بود. این شهر در مسیر جاده ابریشم قرارداد داشت و یکی از طرق ارتباط با شهرهای جبال نیز از راه اصفهان بود. اصفهان بر سر شاهراه تجاری غربی- شرقی و شمالی- جنوبی قرار داشت و از این جهت نقش مهمی در تاریخ ایفا می نمود. وجود کاروانسراهای متعدد در این مسیرها نیز گواه همین اهمیت است (سیرو، ۱۹۴۹: ۴۴). حضور شمار یهودیان در اصفهان و فعالیت آنها در حوزه اقتصاد بازرگانی هم دلیلی بر این اهمیت است که

در جای خود نقش موثری در رونق شهر داشته است. به علاوه اصفهان در سراسر دوران ساسانی یکی از مراکز مهم ضرب سکه بود و در دوران اسلامی هم این موقعیت را حفظ نمود. نام «گی» (جی) و «سپاهان» در سکه های ساسانی یافت می شود. تحقیقات نشان می دهد حداقل از زمان شاپور سوم تا زمان خسرو پرویز در اصفهان سکه ضرب می شده است (آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۹۹). اصفهان دوران اسلامی، یکی از مراکز مهم ضرب سکه های معروف به سکه های «عرب- ساسانی» بود و از تمامی دوره های اسلامی در اصفهان سکه هایی یافت شده است (سرفراز و آوزمانی، ۱۳۸۰: ۱۶۴-۱۳۹) شرایط دیوانی و چگونگی جمع آوری خراج اصفهان در این زمان نیز بر مبنای عهد ساسانی بود. گزارش های تاریخی حکایت از آن دارد که دیوان اصفهان در دوران ابومسلم خراسانی به عربی برگردانیده شد و از این قرار باید گفت دیوان خراج اصفهان دیرتر از سایر شهرها به عربی ترجمه شد (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۹۷). این وضعیت، ساکنان شهر از هر قشری را تشویق می نمود که با اتخاذ بهترین شیوه موجبات ماندگاری شرایط خویش را فراهم آورند و در روند انتقال قدرت به فاتحان کمترین زیان را متحمل شوند.

### ج- واقع گرایی مردم و اشراف زمین دار

با فراهم شدن زمینه های عمومی سقوط ایران در برابر اعراب و پاره شدن شیرازه ی حکومت با از دادن تیسفون، بقیه ی نقاط مملکت تاب مقاومت در برابر سیل سپاه مشتاق برای یافتن غنائم بیشتر،

را نداشتند. تسلیم شدن شهرهای مختلف هر کدام به شکلی انجام و صلح نامه ای نوشته شد. در اصفهان اما درحالی که انتظار می رفت مقاومتی از سوی اشراف و سپاهیان صورت گیرد، هیچ مقاومتی صورت نگرفت و مردم وابسته به زمین مانند سایر نواحی سر به کوه گذاشتند و سعی در مقاومت جدی نمودند، بلکه از سر مصلحت و منفعت به طریق صلح تسلیم شدند تا منابع درآمد و پایگاه خود را در برابر مهاجمان از دست ندهند. دهقانان و اشرافیت شهری هم با ناامیدی کامل از ساسانیان و بی اعتمادی به رعایا در پی همکاری با اعراب جهت حفظ موقعیت اجتماعی خود بودند (صدیقی، ۱۳۷۲: ۷۲). یکی از دلایل سهولت فتح اصفهان ترس همین اشراف و زمین داران از تصرف اموال خود توسط اعراب مسلمان بود. در داستان فتح اصفهان آمده است، مرزبان اصفهان به عربی که در تعقیب او بود گفت میل داری با تو صلح کنم و برای اصفهان قبول جزیه کنم، به شرط آن که هر که خواهد در آنجا اقامت کند و از اهل ذمه شناخته شود و هر که خواهد بگریزد و کسی متعرض او نشود و شهر را به تو بسپارم؟ (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰). چنان که از این گزارش پیداست اشرافیت شهری، مسلمان شدن طبقات فرودست را با منافع و جایگاه خود در تضاد می دیده اند. بنابراین، برای نگه داشتن مقام مالی و اجتماعی خویش همواره می کوشیدند تا با فاتحان عرب مصالحه کرده و مقام واسطه بودن خود را برای منافی که از راه مأموریت خود در میان مردم منطقه ی خود به دست می آورند، حفظ نمایند. البته این رویه برای

اعراب هم سودمند بود؛ چراکه اعراب کشاورز نبودند تا آداب دریافت مالیات را بدانند و دهقانان ایرانی زحمت آنان را برای گرفتن مالیات و امنیت محلی کم می کردند. از سوی دیگر، شرایط اصفهان از نظر دفاعی ضعیف بود و در دشت بی دفاع اصفهان قلعه های مستحکمی وجود نداشت نبود تا فکر مقاومت را در اندیشه ساکنین تقویت نماید. آشنایی بزرگان شهر با شرایط رو به زوال مملکت و آگاهی بر اشتیاق مهاجمان در تسخیر شهر نیز در این رویکرد واقع گرایانه ای عمومی تاثیرگذار بود. با این اوصاف به نظر می رسد، شرایط عمومی حاصل از زوال سریع ساسانیان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ساختار حیات جمعی ساکنان اصفهان، نوعی واقع گرایی عمومی در خود داشت که در پرتو آن: اشراف و برگزیدگان سیاسی در نتیجه گسست در ساختار قدرت و برای حفظ موقعیت خویش، دهقانان برای حفظ پایگاه اجتماعی و امتیازات اقتصادی، ناراضیان فکری و فرهنگی در جهت تغییر شرایط و رعیت در راستای ماندگاری شرایط معیشتی خود، سعی در برخورد مسالمت آمیز با فاتحان کردند و با دل بستن به ندای عدالت طلبانه مسلمانان، حفظ شرایط موجود را مهم شمردند.

#### د- نارضایتی اعتقادی و بی تفاوتی طبقه دینی

به دلیل وابستگی مذهب به حکومت در کلیات حکومت ساسانی، با برافتادن حکومت مرکزی طبقه ی مذهبی نیز جایگاه خود را در میان طبقات عامه از دست داد و با واکنش مردمی در دفاع از خود مواجه نشد. در این زمان دستگاه های دینی

در قالب سازمان منظم زیر نظر موبدان، دین اخلاقی زرتشت را به حالتی در آورده بودند که پر از اعمال مشقت آمیز و منهیات بیهوده شده بود و در روح مردم نفوذی نداشت و قدرت معنوی خود را از دست داده بود (صدیقی، ۱۳۷۲: ۳۲). توصیف و انتخاب واژگان زرین کوب از این شرایط ما را به درک بهتری می رساند: روحانیت فاسد و طمّاع و اشرافیت متجاوز و مغرور هر روز به نابسامانی ها گسترش می دادند و فاصله مردم و حکومت را بیشتر می کردند. قدرت و فساد پایان ناپذیر موبدان یاس کشنده ای را در مردم ترویج می نمود (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۵۳۷). این شرایط برای اصفهان که از سویی جایگاه واسپوهران بود و از سوی دیگر با وجود آتشکده های معروف، موقعیت دینی ممتازی داشت؛ نشان می دهد که این دو طایفه ی ممتاز در میان طبقات عامه جایگاه مناسبی نداشته اند. فعالیت گسترده ی مزدکیان در این ناحیه که با آشکار شدن ضعف ساسانیان پس از خسرو پرویز مجدداً بروز یافته بود (یار شاطر، ۱۳۸۹: ۴۵۸؛ گرانتوسکی، ۱۳۵۹: ۱۷۴) به درک اختلاف طبقاتی و وجود نارضایتی در میان مردم در آن زمان کمک می کند. چنان که آمد، موقعیت کشاورزی، تجاری و تولیدی اصفهان که اهمیتی راهبردی به این شهر داده بود، وجود اشراف و واسپوهران را در این شهر ایجاب می نمود. این موضوع به نوبه خود، زمینه های ایجاد اختلافات طبقاتی را فراهم کرده بود و به نوبه خود موجبات بروز ناآرامی های اجتماعی را فراهم آورده و عامل موثری در ایجاد خیزش های اجتماعی و

### ه- اهمیت راهبردی شهر برای فاتحان

چنان که آمد اصفهان در میانه‌ی راه هند و خراسان و سیستان به عراق عرب ارزش راهبردی فراوانی داشت. در طرف شمالی هم از قزوین که دروازه آذربایجان است تا جلگه‌های دوردست فارس و اقیانوس هند جاده‌ای وجود داشته که از سرزمین اصفهان می‌گذشت (سیرو، ۱۳۵۷: ۷). بنابراین از جهت تجاری و راهبردی پراهمیت بود. از سوی دیگر ورود زنده‌رود به دشت اصفهان در مسیر حدوداً ۱۵۰ کیلومتری خود تا دهانه‌ی باتلاق گاوخونی، زمین‌های حاشیه را تا شعاع حدود ۱۰ کیلومتر از طریق انشعابات خود سیراب می‌نموده و سطح آب زیرزمینی و میزان رطوبت هوا را بالا نگه می‌داشته تا سرزمین‌های دورتر نیز با قنوات پرآب در خدمت کشاورزی باشند. قرار گرفتن شهر در فاصله بیابان و کوه نیز اقلیمی مناسب برای این شهر به ارمغان آورده که با آب فراوان و خاک حاصلخیز، ارزش ویژه‌ی آن را چند برابر نموده است. این شرایط توجه هر فاتح و حاکمی را جلب می‌نموده و آنها را به تلاش برای حفظ شهر و یا به دست آوردن آن تشویق می‌کرده است. بی تردید فاتحان مسلمان نیز به این شرایط واقف بوده و فتح شهر را مهم می‌شمرده‌اند. مذاکره خلیفه دوم در این جهت و مشورت دادن معروف هرمرزان به خلیفه که اصفهان سر است و آذربایجان و فارس دو بال، اگر سر را قطع کنی دو بال از کار خواهد افتاد نیز حاکی از موقعیت ویژه اصفهان برای اهل سیاست در آن زمان است (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸). توصیف جایگاه این چینی اصفهان از سوی هرمرزان و

اقتصادی بود. از این حیث، اصفهان دوران ساسانی یکی از مراکز مهم جنبش مزدکی بود و در دوران اسلامی نیز یکی از مراکز مهم این اندیشه قلمداد می‌شد. گزارش‌های فراوانی از وجود خرم دینان در اصفهان در طول قرن دوم هجری و کوشش آنان برای یاری‌رساندن به بابک خرم‌مدین در آذربایجان در دست است (صدیقی، ۱۳۷۲: ۳۲۲-۲۲۷). از آنجا که حمایت مردم از حاکمان تابعی از رضایت آنان از حکومت است نقش این نارضایتی را می‌توان در بی‌تفاوتی مردم به هنگام تسلیم شهر جستجو کرد. در عین حال اختلاف میان کارگزاران حکومتی با یکدیگر و نیز با رعایا از زمینه‌های اختلاف، نارضایتی و تسلیم زود هنگام شهر بوده است. گزارشی از همراهی میان طبقه‌ی مذهبی موبدان با رعایا در حفظ شهر در دست نیست و به نظر می‌رسد اعراب بر جامعه‌ای واگرا و پر از تفرقه پیروز شده‌اند. از سوی دیگر اصفهان از دیرباز محل سکونت یهودیان بوده است. اختلافات میان یهودیان و حکومت دینی ساسانی که در چند مرحله به برخورد با آنها و کشتار ایشان منتهی گشته بود نیز در واگرایی ساکنان اصفهان و عدم مقاومت در برابر مسلمانان تاثیر به سزا داشت. این تفرقه‌ی یهودیان با حکومت و اشراف و موبدان ساسانی که بیشتر ماهیت دینی داشت سبب شد تا اعراب با استقبال یهودیان مواجه شوند (پارشاطر، ۱۳۸۹: ۳۵۶-۳۵۴). چراکه در نگاه مهاجمان به عنوان اهل کتاب مورد پذیرش بودند.

دو گروه شغلی در کنار موقعیت مناسب کشاورزی و قرار گرفتن این ناحیه در چهارراه کشوری، موقعیت ممتازی به اصفهان داده بود که درآمد مالیاتی حاصل از شهر را بیشتر می کرد. از عهدنامه ی صلح اعراب با اصفهانیان هم چنین بر می آید که اعراب به دنبال موضوعات اخلاقی و دینی خود نبوده اند و در آغاز صرفاً به دنبال تصرف و کسب درآمد بوده و یادآور شده اند تا زمانی که جزیه دهند و تابعیت و همراهی با اعراب داشته باشند، در امان هستند. در این پیمان، دشنام به مسلمین عقوبت و زدن آن ها جزای مرگ را در پی داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۶۵).

تسخیر اصفهان برای اعراب مسلمان مهم بود و شرایط مناسب طبیعی و اقتصادی شهر نیز زمینه های جذب آنها را برای سکونت در این شهر فراهم کرد. بنابر گزارش یعقوبی بسیاری از قبایل عرب مانند تمیم، بنی ضبه، خزاعه، بنی حنیفه در این شهر رحل اقامت افکندند و به مرور زمان اصفهانی شدند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۰).

#### فتح اصفهان در قیاس با فتح شهرهای هم تراز

چنانکه ذکر شد چگونگی فتوح شهرهای ایرانی در نوشته های مورخان اغلب با اختلاف ذکر شده و در هاله ای از تعصبات قومی و اختلاف شهری گزارش شده است. در این میان اما روایت بلاذری در فتوح البلدان از جامعیت، استحکام و استدلال مناسب تری نسبت به سایر منابع برخوردار است. در راستای درک بهتر زمینه های موثر در فتح اصفهان و عمدتاً با استناد به روایت بلاذری، در جدول زیر فتح اصفهان با فتح دیگر

دقت خلیفه در فهم این شرایط، سهم راهبردی این شهر را در جغرافیای سیاسی ایران در آستانه ی سقوط دولت ساسانی ترسیم می کند و این را به ذهن وارد می سازد که اعراب برای فتح اصفهان ارزش ویژه ای قائل بودند. اختلاف میان حاکمان کوفی و بصری بر سر فتح اصفهان که تا زمان معاویه نیز باقی بود و تلاش و بلکه دعوا بر ای اخذ خراج و جزیه ی فراوان و ارزشمند اصفهان در خود داشت نیز از جایگاه برتر شهر حکایت دارد. حافظ ابو نعیم ضمن توضیح شرایط فوق، اشعاری را از زبان فاتح اصفهان نقل می کند که جایگاه اقتصادی بی نظیر اصفهان را برای هم زمان عرب وی نشان می دهد. در این اشعار فتح اصفهان هم دارای ارزش فراوان اقتصادی و هم ارزش راهبردی مهم است<sup>۱</sup> (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳-۱۴۰). چنان که آمد، اهمیت اصفهان برای اعراب از جهت اقتصاد مناسب، آب و هوای مطلوب و درآمد کافی چنان بود که موضوع تصرف و به تبع آن چگونگی مصرف مالیات آن همواره مورد اختلاف عاملان بصره و کوفه بوده است (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳-۱۴۰). گزارشی در دست است که نشان می دهد عبدالملک مروان برای تحریک کوفیان علیه مصعب ابن زبیر به اشراف عراق وعده داد چنانچه بر ضد مصعب و زبیریان قیام کنند خراج اصفهان را به آنان خواهد داد (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۳۱). دو منطقه ی «جی» و «یهودیه» فعالیت تولیدی و تجاری بهینه ای داشتند و هماهنگی این

۱- و عادت لقوفاً اصهباناً بأسرها تدرُّ لنا منها القرى والدراهم  
و انی علی عمدٍ قبلت جزاء هم غداة تغادوا و الفجاج قوائم

شهرهای هم‌تراز خود مقایسه شده است.

داده های مذکور در جدول فوق حاکی از برخورد مسالمت آمیز ساکنان اصفهان و سهولت فتح این شهر در مقایسه با دیگر شهرها است. این شواهد نشان می دهد: با وجود اولویت تصرف اصفهان برای اعراب، شهر با دردسر کمتر و در مرتبه اول فتح شده و مشکلات فتح‌های بعدی نیز نداشته است. چنان که در مطالب قبلی به تفصیل بررسی شد زمینه های فتح این چینی اصفهان را باید در جغرافیای طبیعی و اقلیمی کارآمد شهر، موقعیت بهینه اقتصادی آن که محافظه کاری و واقع گرایی ساکنین برای حفظ این شرایط و حرص و ولع فاتحین برای استیلا بر این شرایط را در خود داشت، تنوع اعتقادی ساکنان شهر مه مانع از همگرایی لازم می شد، نارضایتی های اجتماعی، اختلافات سیاسی و البته زمینه هایی جستجو کرد که به واسطه همسایگی شهر با کوه و دشت همواره با آن مواجه بوده و امکان دفاع موثر را از آن می گرفته است.

### بحث و نتیجه گیری

شهر اصفهان در دل فلات ایران و در حاشیه رودخانه زنده رود دارای موقعیت برتر طبیعی و نیز به دلیل قرار گرفتن در سر چهارراه ایرانی، موقعیت ارزشمندی داشته است که از روزگار باستان مورد توجه حکومت های ایرانی بوده است. وضعیت مناسب آب و هوایی و وجود جلگه ای ارزشمند زاینده رود در کنار فرصت های تجارتی و صنعتی یهودیان در یهودیه، بر اهمیت

این شهر می افزود تا جایی که این شهر مرکز زندگی اشراف و محل نگهداری سپاه به شمار می آمد. اگرچه داده های تاریخی درباره دوران پیش از اسلام اصفهان اندک است اما توجه خاص مسلمین به این شهر و رونق آن در دوران اسلامی حکایت از جایگاه مهم شهر دارد. اصفهان محل استقرار بخشی اشرافیت ساسانی بوده و حضور مزدکیان در این شهر از اختلافات طبقاتی و نارضایتی های اجتماعی حکایت دارد. به علاوه میان اشرافیت مستقر در اصفهان همگرایی وجود نداشت و میان ایشان با حکومت مرکزی فاصله ایجاد شده بود. به گونه ای که یزدگرد سوم پس از رسیدن به اصفهان امکان ماندگاری در این شهر را نداشت. به علاوه سقوط زودهنگام پایتخت ساسانی و منفعت طلبی دهقانان و کارگزاران حکومتی آگاه بر شرایط نوظهور نیز در تسلیم شهر موثر بود. مصلحت اندیشی عمومی و تلاش آگاهانه ی رعایای شهری در جهت حفظ شرایط موجود هم در این میان بی تاثیر نبود. برخورد مسالمت آمیز مردم و فتح آسان این شهر تحت تاثیر عامل واحدی نبود. مهم ترین عواملی که موجبات تعامل مردم اصفهان با فاتحان مسلمان را فراهم آوردند را می توان چنین دسته بندی کرد:

- اقلیم و طبیعت اصفهان که در جای خود به شدت در رونق اقتصادی شهر موثر بود، به سبب عدم برخورداری از امکانات طبیعی موثر برای دفاع از شهر، زمینه های فتح اصفهان را برای فاتحان عملی تر می نمود. این مهم اقشار مختلف شهری را به واقع گرایی در برابر فاتحان وامی داشت تا در شرایط ناشی از عدم توانایی برای



شرایط تاریخی، پیام عدالت طلبانه اسلام را متفاوت از سلوک روحانیت وابسته به قدرت رو به زوال ساسانی تفسیر می نمودند نیز در جای خود بسیار موثر بود و به کارآمدی شرایط به نفع اعراب کمک می نمود. این عوامل موجب شدند تا ساکنان اصفهان نسبت به حضور اعراب و دادن مالیات به آنها واکنش جدی نشان ندهند و علاوه بر تسلیم بی دردسر شهر، همنند برخی شهرهای هم تراز با موقعیت اصفهان جنبشی را هم علیه اعراب ایجاد نکنند.

#### منابع

ابن خلدون عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، تاریخ ابن خلدون، جلد دوم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

اجتهادی ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، وضع مالی و مالیه مسلمین، تهران، سروش.

اصفهانی حافظ ابو نعیم، (۱۳۷۷)، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسای، تهران، سروش.

اصفهانی حمزه ابن حسن، (۱۳۶۷)، تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.

آلتهایم فرانتس و روت استیل، (۱۳۸۲)، تاریخ اقتصادی دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، علمی و فرهنگی.

بارتولد و، (۱۳۸۶)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور؛ تهران، توس.

بلاذری احمد بن یحیی، (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.

دینوری ابوحنیفه، (۱۳۶۶)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

ربانی خوراسگانی مینا، (۱۳۷۰)، بررسی وضعیت جغرافیایی منطقه مرکزی شهر اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا.

مقابله با مهاجمین مسلمان، به بهترین نحو ممکن شرایط معیشتی خود را حفظ نمایند.

- موقعیت راهبردی اصفهان در جغرافیای سیاسی ایران، فتح شهر را در حکم دل ایرانشهر برای اعراب پرجاذبه نشان می داد و موجب می شد تا تصرف آن را در راس برنامه های ایشان قرار دهند. بنابر گزارش منابع از زبان هرمزان اصفهان سر و فارس و آذربایجان جناحین پرنده تمثیلی وی بودند و فتح شهر علاوه بر کسب ثروت و مکنت موجبات حفظ سلطه بر نواحی دیگر ایران را فراهم می آورد.

- بافت قومی و جمعیتی اصفهان که در کنار عموم رعایا، خیل عظیمی از یهودیان و مزدکیان و دهقانان و بزرگان منتسب به حکومت را در خود جای داده بود موجب می شد که هر کدام از این اقشار در پی حفظ منفعت و یا کسب موقعیت، استیلای اعراب مسلمان را با بیم و امید بیشتری بنگرند. در این میان، به نظر می رسد عملکرد یهود که از سوی فاتحان به عنوان اهل کتاب مورد احترام نسبی قرار می گرفت و از درگیری های قبلی با دست نشانندگان حکومتی رهایی پیدا می کرد؛ سلوک هواداران مزدک که حاکمیت شرایط جدید را برون رفتی از فضای متصلب موجود قلمداد می کرده اند و البته رویکرد مصلحت جویانه واسپوهران و اشرافیت شهری که از هیچ تلاشی برای ماندگاری شرایط خود فروگذار نبوده اند سهم موثرتری داشته است.

- نارضایتی عمومی رعایا از شرایط اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی موجود که به عنوان قشر حداکثری جمعیت و معمولاً عنصر مغفول در فهم

- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، (۱۳۷۲)،  
**آمارنامه استان اصفهان در سال ۱۳۷۲.**  
 سرفراز علی اکبر و فریدون آوزمانی، (۱۳۸۰)،  
 سکه های ایران، تهران، سمت.  
 سیرو ماکسیم، (۱۹۴۹)، کاروانسراهای ایران، ترجمه  
 عیسی بهنام، قاهره، انجمن شرق شناسی.  
 صدیقی غلامحسین، (۱۳۷۲)، جنبش های دینی ایرانی  
 در قرون دوم و سوم هجری، تهران، پازنگ.  
 طبری محمد ابن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، جلد ۵،  
 ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.  
 فرای ریچارد، (۱۳۷۳)، میراث باستانی ایران، ترجمه  
 مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات و آموزش  
 انقلاب اسلامی  
 کریستن سن آرتور، (۱۳۶۷)، ایران در زمان ساسانیان،  
 ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر.  
 کولسنیکف آ. ا.، (۱۳۸۹)، ایران در آستانه سقوط  
 ساسانیان، ترجمه محمدرفیق یحیایی، تهران،  
 کندوکاو.  
 گرانوسکی و دیگران، (۱۳۵۹)، تاریخ ایران از زمان  
 باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی،  
 تهران، پویش.  
 مافروخی فضل بن سعد، (۱۳۸۵)، محاسن اصفهان،  
 ترجمه حسین بن محمد آوی، به کوشش عباس  
 اقبال، اصفهان، سازمان فرهنگی و تفریحی
- شهرداری.  
 محمدی ملایری محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ ایرانی پیش  
 از اسلام، تهران، توس.  
 مستوفی حمدالله، (۱۳۸۱)، نزهة القلوب، تصحیح  
 محمد دبیرسیاقی، قزوین، حدیث امروز.  
 مسعودی علی بن الحسین، (۱۳۷۰)، مروج الذهب،  
 جلد یکم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران،  
 انتشارات علمی و فرهنگی.  
 منتظر القانم اصغر، (۱۳۷۷)، «نخستین فاتح اصفهان  
 بعد از اسلام»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده  
 ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم،  
 شماره پانزدهم.  
 میناسیان کارو اون، (۱۳۸۷)، شاه دژ ارگ بلند نام  
 اصفهان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر.  
 ناصرخسرو، (۱۳۷۲)، سفرنامه ناصرخسرو، به کوشش  
 نادر وزین پور، تهران، علمی و فرهنگی.  
 یار شاطر احسان، (۱۳۸۹)، تاریخ ایران کمبریج، جلد  
 سوم قسمت دوم، ترجمه حسن انوشه، تهران،  
 امیرکبیر.  
 یعقوبی علی بن واضح، (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه  
 محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر  
 کتاب.